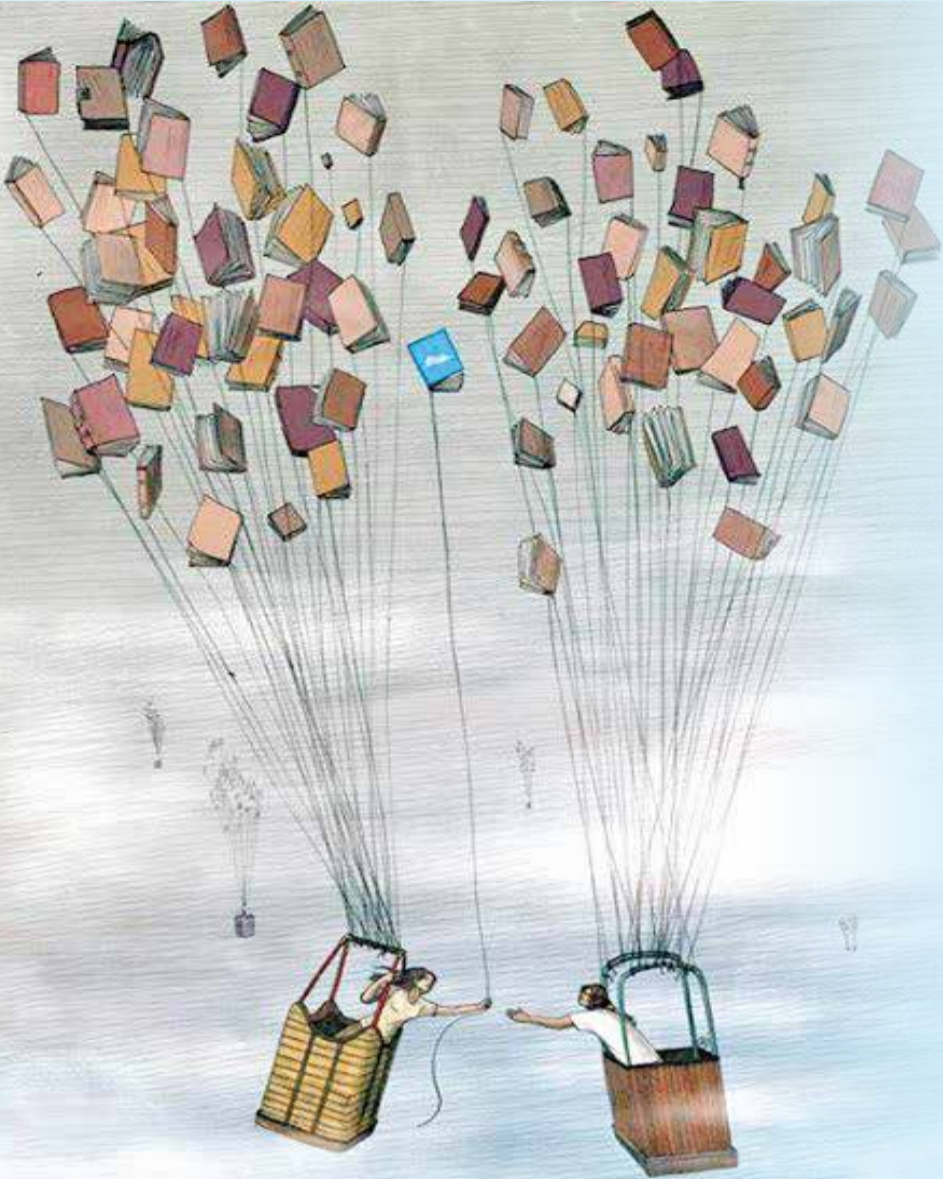




## درباب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و امانت کتاب

# شمعی در تاریکی

سمیه ملاتبار  
نویسنده



با بچه‌هاست. در مراکز فرهنگی هنری وابسته به کانون، مربیانی فعالیت می‌کنند که وظیفه‌شان ارتباط فعال و مستمر با کودکان است و رودررو و چهره به چهره با کودکان و نوجوانان کار می‌کنند. سالی چندین میلیون جلد کتاب در انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ می‌رسد. برای اینکه این کتاب‌ها در دسترس بچه‌ها باشد، کانون فعالیت‌های زیادی انجام می‌دهد. فعالیت‌های کانون پرورش فکری، مختص کلانشهرها هم نیست؛ بلکه سعی شده در مناطق محروم و شهرهای کوچک هم فعالیت‌ها به همان کیفیت در حال پیگیری باشد.

در مورد بازخوردها و نتایج ارتباط بچه‌ها با کانون می‌شود به تغییر مسیر زندگی کودکان اشاره داشت. کودکانی که عضو مراکز کانون هستند و فعالیت می‌کنند، به مرور از ویژگی‌ها و مهارت‌ها و توانایی‌های خاصی بهره‌مند می‌شوند که این مهارت‌ها حتی باعث می‌شود در حوزه درسی نیز موفق‌تر باشند.

حالا چگونه کودکان عضو کانون شود؟ همان‌طور که گفته شد، برنامه اصلی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای سنین ۶ تا ۱۶ سال است. این کودکان می‌توانند با داشتن یک معرفی‌نامه از مدرسه، دو قطعه عکس و کپی شناسنامه در کانون عضو شوند. کودکان پس از ثبت نام، براساس معیارهای مختلف از قبیل اینکه جنسیت‌شان چیست، سن‌شان چقدر است، چه روزهایی وقت آزاد بیشتری دارند... می‌توانند از برنامه زمان‌بندی شده کانون و فعالیت‌های در نظر گرفته‌شده آنجا استفاده کنند.

نظر چند نویسنده مشهور در حوزه کودک و نوجوان درباره شرایط موجود اگر به دنبال مجوزه در حال و آینده کودکان هستید، از کتاب و کتابخوانی و تشویق کودکان به خواندن کتاب غافل نشوید. مجزوه‌ای که بروی، مسیر زندگی کودکان و سرنوشت او را عوض خواهد کرد.

اگر ادبیات کودک و نوجوان را نوشته‌ها و سروده‌هایی بدانیم که با این گروه سنی مرتبط است، می‌بینیم که این بخش از ادبیات در کشور ما قدمت زیادی دارد؛ این قدمت وقتی بیشتر خودنمایی می‌کند که بدانیم یک بخش بزرگ از ادبیات کودک و نوجوان مان را لایبی‌ها، مثل‌ها و قصه‌ها تشکیل داده است.

برای همین یک نویسنده کودک باید علاوه بر قلم خاص، نگاه خاصی هم به زندگی داشته باشد؛ چرا که با نوشته‌هایش می‌بایست علاوه بر سرگرم کردن کودک، او را برای شناخت، دوست داشتن و ساختن محیط اطرافش آماده کند. باید به کودک بفهماند که در اطرافش چه می‌گذرد و برای شناساندن کودک به خودش هم تلاش کند. به همین خاطر، نویسنده‌های کودک باید خاص فکر کنند و خاص ببینند.

شاید بهتر است بچند نویسنده‌ای که از طریق کانون فرصت آشنایی با قلمشان را داشتم هم آشنا شویم. اتفاقاً نقطه نظرهای این نویسنده‌ها در مورد تأثیر کتاب بر کودکان باعث شده بود که بیشتر از کتاب‌هایشان استقبال کنم.

ژیلا احمدی یکی از نویسندگان قدیمی کودک و نوجوان است. وقتی از او می‌پرسم که چطور شد حوزه کودک را برای کار انتخاب کرد، می‌گوید از بچی به بچه‌ها علاقه داشته و با آنها ارتباط عاطفی عمیقی برقرار می‌کرده است. این نویسنده می‌گوید: «الهام اثرهایم از بچه‌هاست، حتی به پرورشگاه می‌روم تا بچه‌ها را از نزدیک ببینم و از آنها الهام بگیرم.»

این نویسنده حس بدی نسبت به جایگاه فعلی ادبیات کودک و نوجوان دارد و می‌گوید: «از نظر من ادبیات کودک و نوجوان، جایگاه خودش را از دست داده و آن‌طور که باید و شاید به آن توجه نمی‌شود.» وی که دل پری از اوضاع فعلی ادبیات دارد، می‌گوید: «بسیاری از کارهایی که در حوزه کودک و نوجوان نوشته می‌شود، به دست فراموشی سپرده شده و ادبیات مارونق نگرفته است.»

احمدی به ورود اینترنت و ماهواره به زندگی بچه‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید که میهمان‌های ناخوانده همیشه برای نسل جدید قابل پذیرش بوده و هستند و الان توانسته‌اند جای کتاب را بگیرند. این نویسنده کودک و نوجوان که بیش از صد اثر در این زمینه در کارنامه ادبی خود دارد، ادامه می‌دهد: «اما باید به این نکته هم توجه کنیم که کودک از یکنواختی خسته می‌شود و تنوع طلب است. درست است که ماهواره و اینترنت خیلی جذاب است اما تا یک جایی، از آن به بعد تکراری می‌شود و اینجاست که اگر کتاب جذاب وجود داشته باشد که به نیازهای کودک از نوجوان پاسخ دهد، کودک و نوجوان را جذب می‌کند.»

کتایون تجلی، نویسنده و مترجم کودک و نوجوان می‌گوید که کار کودک را خودش انتخاب کرده بلکه بالعکس انگار او توسط ادبیات کودک و نوجوان برای نویسنده‌گی در این حوزه انتخاب شده است. وی می‌گوید: «کودکان بی‌غل و غش‌ترین موجودات زمین هستند که می‌شود خیلی رویشان کار کرد.» این نویسنده برای الهام‌گیری از کودکی و نوجوانی خودش برای نوشتن داستان استفاده می‌کند. او می‌گوید: «همان‌طور که در این دوره و زمانه، همه چیز تغییر کرده، دید بچه‌ها هم نسبت به ادبیات تغییر کرده و چون ادبیات همیشه در زمان زنده و جاری است، می‌بایست زبان را تغییر دهیم تا این ادبیات برای کودک امروز قابل پذیرش باشد.»

منیژه پدرامی هم با همکارانش هم‌نظر بوده و معتقد است در چند سال اخیر در ادبیات کودک و نوجوان اُفت داشته‌ایم. این نویسنده، کمی

موضوع را بسط می‌دهد و می‌گوید: «در کل محصولات فرهنگی مثل انیمیشن و دیگر رشته‌ها هم شاهد اُفت بوده‌ایم. این اتفاق، در سالیان گذشته نمی‌افتاد. نویسنده‌های مستعدی داشتیم که در این حوزه تلاش زیادی می‌کردند اما به مرور از دغدغه نویسندگان کم‌شد و به این روز افتادیم.»

این نویسنده اوضاع اقتصادی را کاملاً بر این بحث مؤثر می‌داند و می‌گوید: «مسائل اقتصادی روی فرهنگ تأثیرگذار است. اگر کتاب ارزان باشد و خانواده بتواند این کالای فرهنگی را در سبب روزانه خود بگنجانند، شاهد اوضاع بهتری خواهیم بود. اما وقتی مردم نتوانند کتاب بخرند، حتی اگر بچه‌ها علاقه‌مند باشند، باز نمی‌شود امیدوار بود.»

پدرامی به نسل خودش اشاره می‌کند که کودکان آن نسل هر کتابی اعم از فلسفی، مذهبی و داستانی به دستشان می‌رسید می‌خوانند.

وی ادامه می‌دهد: «در نسل حاضر عده زیادی از کودکان و نوجوانان اصلاً به دنبال مطالعه نیستند. راحت‌طلبی آن قدر زیاد شده که هرچه بخواهند را سریع از اینترنت جست‌وجو می‌کنند و حوصله پژوهش و تحقیق ندارند.» احمدی برای مقابله، راهکاری هم ارائه می‌دهد و می‌گوید: «ما باید ادبیات کودک را جهانی کنیم؛ یعنی یک کودک وقتی کتاب را می‌خواند، هم اینترنت را در آن ببیند هم ماهواره را. همه آن جذابیت‌ها که در این وسایل وجود دارد اگر در کتاب هم باشد، چرا کودک به دنبال چیز دیگری برود؟»

او به یکی از داستانهایش اشاره می‌کند به نام سیندریلا و می‌گوید: «وقتی داستان سیندریلا را نوشتم و برای بچه‌ها خواندم، بچه‌ها به من می‌گفتند ما سیندریلا را بیشتر از سیندرلا دوست داریم. این نشان می‌دهد که اگر ما جهانی فکر کنیم، می‌توانیم جذابیت‌هایی را در ادبیات و در کتاب کودک به وجود آوریم.»

منیژه معتقد است که نویسندگان مستعد و دغدغه‌مند باید تلاش خود را بیشتر کنند و اقداماتی از قبیل برگزاری کارگاه‌های کتابخوانی در مدارس انجام دهند تا کمی حال ادبیات کودک و

نوجوان بهتر شود. تجلی اما راهکار جالب‌تری دارد؛ می‌گوید: اگر الان تکنولوژی با زندگی کودک و نوجوان عجین شده، چرا در داستان‌ها از این فناوری‌ها استفاده نکنیم؟ وقتی بچه‌ها با مفاهیمی مثل چت‌کردن و اس‌ام‌اس‌زدن آشنا هستند، باید از همین مفاهیم برای انتقال پیام‌مان در داستان استفاده کنیم.»

این نویسنده معتقد است که اگر الان بچه‌ها به کامپیوتر و اینترنت رغبت دارند، شاید بشود از طریق همین اینترنت و وسایل ارتباط جمعی آنها را به کتاب جذب کرد: «شاید بتوان با تأسیس سایت‌های معرفی کتاب که جذابیت‌های کودکانه هم داشته باشند، کودک و نوجوان را به کتابخوانی علاقه‌مند کرد.»

پیدا کردن راهکار برای کتابخوان کردن کودک و نوجوان کار سختی نیست. زیلا احمدی در این باره می‌گوید: «نویسنده باید زبان کودک را بشناسد و درک کند. از قدیم گفته‌اند چون که با کودک سر و کارت فتاد؛ پس زبان کودک باید گشاد. کودک با زبان بزرگسال و داستان‌هایی که مربوط به سنش نیست نمی‌تواند ارتباط برقرار کند. اگر بخواهیم به ادبیات کودک و نوجوان رونق بدهیم باید استعداد محور باشیم تا شخصیت محور.»

احمدی معتقد است: «از کودکی باید بچه را با کتاب آشنا کرد. کتابخوانی کم‌کم و به مرور زمان تبدیل به عادت می‌شود و این بهترین راه فرهنگسازی کتاب است.» این نویسنده ادامه می‌دهد: «خود من از دوسه سالگی کتاب را جلوی دخترم می‌گذاشتم تا ورق بزند و وقتی به سن خواندن رسید، عضو کتابخانه‌اش کردم. همین کار باعث شد که کتاب خواندن برایش عادت شود.»

او تأکید می‌کند که این فرهنگسازی باید از خود پدر و مادرها شروع شود: «کودک وقتی ببیند پدر و مادر او را تشویق به کتابخوانی می‌کنند اما خودش کتاب نمی‌خواند، می‌گوید اگر کتاب خوب است پس چرا بزرگترهای من آن را انتخاب نکرده‌اند؟ این نویسنده راهکارهای دیگری مثل

برگزاری کارگاه‌ها و استفاده از بازی، خلاقیت و نمایش و همچنین برگزاری مسابقات کتابخوانی در مدارس را در علاقه‌مند کردن کودک به کتاب مؤثر می‌داند.

پای درددل نویسنده‌های حوزه کودک و نوجوان که می‌نشینند، دل پردردی دارند؛ از وضعیت اسفبار تیراژ و قیمت‌های بالای کتاب کودک و نوجوان گرفته تا حق‌التألیف‌های غیرمنطقی و نامیدکننده. زیلا احمدی یکی از این نویسنده‌های دردمند است که می‌گوید: «امروز می‌شود با پول، نویسنده کودک شد. ناشرها به استعداد نویسنده نگاه نمی‌کنند و فقط برایشان پول مهم شده است.»

این نویسنده به رعایت‌نشدن قانون کپی رایت هم اشاره‌ای می‌کند و می‌گوید: «ادبیات کودک ما رو به زوال است و من پیشرفت و ترقی در آن نمی‌بینم. کارهای خوب ما را در حال حاضر خارجی‌ها ترجمه می‌کنند بدون اینکه حتی به مؤلف تعلق بگیرد.»

پدرامی هم ضمن گله از وضع موجود، حمایت دولت از نویسنده‌ها را مهم و تأثیرگذار ارزیابی می‌کند و می‌گوید: «اگر نویسنده بیمه و حقوق درست و حساب شده‌ای داشته باشد و یا حمایت‌های معنوی مثل برگزاری گردهمایی‌های خاص داشته باشد، در بهبود شرایط مؤثر خواهد بود.» اگر پایه فرهنگ یک ملت را کتاب و کتابخوانی بدانیم و اگر آینده‌سازان فردای کشور کودکان امروز باشند، اهمیت و توجه به ادبیات کودک و نوجوان صدچندان می‌شود.

برنامه‌ریزی دولت و برنامه‌ریزان کلان فرهنگی از یک طرف و توجه خانواده‌ها به مسأله مطالعه آن هم در سنین کودکی از طرف دیگر می‌تواند تنها راهکار برای بهبود اوضاع فعلی تلقی شود تا مبادا دود سهیل‌انگاری امروز، فردا در چشم خودمان و بچه‌هایمان که آینده‌سازان ایرانمان هستند و حتی نسل‌های بعد و بعدتر، برود.

پدرامی می‌گوید: «اگر کتاب خوب است پس چرا بزرگترهای من آن را انتخاب نکرده‌اند؟ این نویسنده راهکارهای دیگری مثل

برگزاری کارگاه‌ها و استفاده از بازی، خلاقیت و نمایش و همچنین برگزاری مسابقات کتابخوانی در مدارس را در علاقه‌مند کردن کودک به کتاب مؤثر می‌داند.

پای درددل نویسنده‌های حوزه کودک و نوجوان که می‌نشینند، دل پردردی دارند؛ از وضعیت اسفبار تیراژ و قیمت‌های بالای کتاب کودک و نوجوان گرفته تا حق‌التألیف‌های غیرمنطقی و نامیدکننده. زیلا احمدی یکی از این نویسنده‌های دردمند است که می‌گوید: «امروز می‌شود با پول، نویسنده کودک شد. ناشرها به استعداد نویسنده نگاه نمی‌کنند و فقط برایشان پول مهم شده است.»

این نویسنده به رعایت‌نشدن قانون کپی رایت هم اشاره‌ای می‌کند و می‌گوید: «ادبیات کودک ما رو به زوال است و من پیشرفت و ترقی در آن نمی‌بینم. کارهای خوب ما را در حال حاضر خارجی‌ها ترجمه می‌کنند بدون اینکه حتی به مؤلف تعلق بگیرد.»



منیژه پدرامی: اگر کتاب ارزان باشد و خانواده بتواند این کالای فرهنگی را در سبب روزانه خود بگنجانند، شاهد اوضاع بهتری خواهیم بود

سالی چندین میلیون جلد کتاب در انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به چاپ می‌رسد. برای اینکه این کتاب‌ها در دسترس بچه‌ها باشد، کانون فعالیت‌های زیادی انجام می‌دهد. فعالیت‌های کانون پرورش فکری، مختص کلانشهرها هم نیست؛ بلکه سعی شده در مناطق محروم و شهرهای کوچک هم فعالیت‌ها به همان کیفیت در حال پیگیری باشد